

سازمان آزادگان ازیرانم از سر آزادگان

تنها راه برای جلوگیری از جنگ، آزادی است و کلید آزادی در دست مردم ایران میباشد

سر هنگ محمود صبوری یزدی
اکتبر ۲۰۰۶

آیا جنگ رژیم جمهوری اسلامی با آمریکا اجتناب پذیر است؟

برای پاسخ به این سوال باید رژیم را بشناسیم و نحوه ایجاد آن رابه یاد بیاوریم، سوابق ۲۸ ساله رژیم را در نظر بگیریم و به اهداف جمهوری اسلامی توجه داشته باشیم. در سال ۱۳۵۷ نطفه ای که از آمیزش نیرنگ و جنایت بسته شده بود در بستری مملو از خونریزی و کشتار غیرضروری بصورت رژیم جمهوری اسلامی تولد یافت. در این سال هنگامی که پادشاه فقید ایران اعلام کرد خواسته های اصلاح طلبانه ملت را میپذیرد و موقع آنست تا وطن پرستان پا در میان گذاشته با تشکیل "دولت وحدت و همزیستی ملی" آرامش را به کشور بازگردانند، فرصتی تاریخی در پیش پای ملت ایران قرار گرفت تا ضمن حفظ دستاوردهای نزدیک به صد سال فداکاری در راه بهزیستی و آزادی، زیر بنای محکمی برای استقرار دموکراسی در کشور بناگردد. اما کسانی که بنام آزادیخواهی، اصلاح طلبی و دین، کشور را به خون و آتش کشیده بودند این فرصت طلانی را از مردم ایران صلب نمودند، آنها تشنه خون، قدرت و ثروت بودند نه آزادی و دموکراسی، حتی بعد از آنکه پادشاه کشور را ترک کرد و نیروهای نظامی و انتظامی کنار رفتند، بدون آن که ضرورت داشته باشد، دامنه ترور، تخریب و آتش سوزی را گسترش دادند و با فریب و ارباب مردم، قتل، زندان، غارت و بی اعتنائی به خواست و مصالح همگانی رابه ملت ایران تحمیل و رژیم جمهوری اسلامی را در بستر خونریزی و کشتار غیر ضروری بوجود آوردند.

در سال ۱۹۸۰ هنگامی که اکثریت ناراضی مردم ایران به خروش آمده بودند و رژیم در آستانه سقوط قرار گرفته بود تحریکات و اقدامات جنگ افروزان رژیم، صدام را وادار به حمله به ایران نمود. و بدین ترتیب جنگی آغاز شد که آیت الله خمینی آن را با آغوش باز پذیرفت. این جنگ و ادامه خیانت بار ۸ ساله آن گرچه برای ملت ایران چیزی جز بدبختی و نکبت به بار نیاورد ولی در شاهراگ حاکمیت در حال نزار رژیم خونی تازه جاری نمود. آیت الله خمینی بنیانگزار رژیم جمهوری اسلامی این جنگ خانانانه را «رحمت الهی» خواند چرا که «فقط» رژیم را از سقوط و مرگ نجات بخشید. وی پس از ۸ سال و بعد از قتل صدها هزار جوان و نوجوان ایرانی و هدر دادن بیش از هزار میلیارد دلار سرمایه کشور و خسارات روانی جبران ناپذیر به ملت ایران بدون کوچکترین دستاوردی بسادگی آب خوردن جام زهر را نوشید و در مقابل دشمن نا چیزی که قبل از انقلاب در برابر ارتش ایران یارای چند روز مقاومت را هم نداشت سر تسلیم فرود آورد و به این جنگ خفت بار خاتمه داد. عجا که هنوز هم رژیم با وقاحت آن شکست مفتضحانه را پیروزی قلمداد و به آن افتخار میکند و سالگرد آن را جشن میگیرد!

حکمرانی ۲۷ ساله رژیم نشان میدهد که جمهوری اسلامی برای ادامه حیات خود از هیچ جنایت و سرکوبی رو گردان نبوده و هنگامی که سرکوب و خشونت دیگر کارساز نباشد برای نجات از فروپاشی و برای تداوم قدرت و حیات خود جنگ را به عنوان رحمت الهی تنها راه نجات میدانند و در صورت لزوم بی مهابا و بی درنگ به آن دامن زده و یا حتی خود آغاز گر آن خواهد بود.

از تجربه ظهور و حیات ۲۷ ساله رژیم که بگذریم، جمهوری اسلامی بر پایه اهدافی بنا شده که بدون یک جنگ بزرگ و فراگیر قابل وصول نمیباشند. اگر رژیم از این اهداف عدول کند پایه هایش فرو خواهد ریخت و بر جای نخواهد ماند. به همین دلیل رژیم سالهاست در تدارک چنین جنگ بزرگ و فراگیری برنامه ریزی و تلاش میکند. به عنوان مثال:

۱- اهداف جمهوری اسلامی که در شعارهایی مثل مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، رژیم اشغالگر صهیونیستی باید از نقشه جغرافیای جهان حذف شود، ما آمریکا را زیر پا له خواهیم کرد، ما آمریکا را

- برزانو در خواهیم آورد، ما عدالت را در جهان مستقر خواهیم کرد و ده ها شعار نظیر اینها اعلام میشود بدون جنگ قابل وصول نمیشوند.
- ۲- آقای احمدی نژاد رئیس جمهور رژیم در نامه خود به رئیس جمهور آمریکا پا را در جای پای پیغمبر اسلام گذاشته به طور ضمنی آقای بوش را کافر قلمداد کرده و باز بطور ضمنی او را به اسلام دعوت میکند و در پایان نامه خود به تقلید از حضرت محمد و به تقلید از نامه ای که ایشان به خسرو پرویز نوشتند مینویسد والسلام علی من التبع الهدای یعنی صلح فقط با ایمان آورندگان به اسلام.
- ۳- مرکز نظارت بر صلح در خاورمیانه پس از مطالعه و تجزیه و تحلیل دقیق ۱۱۵ کتاب درسی و راهنمای آموزشی معلمان مدارس ایران که اخیر منتشر شده در اوائل سپتامبر سال جاری اعلام نمود که مواضع فتنه انگیز، ضد آمریکا و ضد یهود رئیس جمهور ایران آقای احمدی نژاد در سیستم آموزشی ایران ریشه دوانده است و ایران اسلامی سیستم آموزشی را بوجود آورده که بوسیله آن دانش آموزان کشور را مغز شونی نموده برای جنگ و شهادت بر علیه غرب و بخصوص آمریکا و اسرائیل آماده سازد. در این سیستم آمریکا، کرارا با عناوین "شیطان بزرگ" "جهانخوار"، "استکبار جهانی" و ... معرفی شده به محصلین آموزش داده میشود که به هر قیمت حتی بقیمت جان خود باید با آمریکا بجنگند. در این کتابها همچنین ضرورت پاک کردن اسرائیل از نقشه جهان به منزله یکی از وظائف فرزندان ایران معرفی میشود، جهاد و شهادت تم اصلی این کتابهای آموزشی است. آیا این تدارک برای جنگی بزرگ و فراگیر نیست؟ علاوه بر این در راستای تقویت این مغز شونی اکثر صندلی های دانشگاه ها در اختیار خانواده های وابسته به رژیم بوده درصد کمی از آن برای فرزندان واجد شرائط ملت ایران است و رژیم در پی تصفیه استادان و معلمان سکولار میباشد تا براحتی نسل های آینده ایرانزمین را مغز شونی کرده با مبانی اسلام رادیکال و جهاد پرورش دهد.
- ۴- هزینه کردن حدود ۶ میلیارد دلار برای ایجاد، آموزش و تسلیح حزب الله لبنان در جوار اسرائیل، تامین مالی، و پشتیبانی های دیگر از این سازمان نمیتواند دلیل دیگری بجز جنگ طلبی رژیم جمهوری اسلامی داشته باشد.
- ۵- ایجاد و توسعه روابط سیاسی و اجتماعی و امضاء قراردادهای خانانانه با کشورهایمانند کوبا و ونزولا که نه دولت های آنها بونی از عدالت برده اند و نه روابط با آنها هیچگونه نفعی برای ملت ایران دارد به صرف این که با آمریکا اختلاف دارند دلیل دیگری بر آماده سازی صحنه جنگ توسط رژیم جمهوری اسلامی میباشد.
- ۶- و بالاخره رژیم در تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی و سایر سلاح های کشتار جمعی است و این دلیل مسجلی به تلاش رژیم برای تدارک یک جنگ بزرگ و فراگیر میباشد. بنا بر این در پاسخ سنوال بالا باید بگویم که تنها راه جلوگیری از جنگ ایران و آمریکا همت مردم ایران و خلق ید از این رژیم جمهوری اسلامی است. بله کلید در دست مردم ایران است و بس.

مواردی که بر احتمال جنگ بین آمریکا و ایران دلالت دارند

معتقدم که آمریکا برای به تعویق انداختن دستیابی ایران به سلاح اتمی و رژیم جمهوری اسلامی بمنظور جلوگیری از فروپاشی و خریدن وقت تا دسیابی به سلاح هسته ای آماده جنگی زود رس و محدود میباشد که وقوع آن هر لحظه و حد اکثر تا یکسال آینده نه تنها ممکن بلکه بسیار محتمل میباشد. توجه به دلالتی که متعاقبا ارائه میشود موید این نظریه است.

هدف اصلی و حیاتی آمریکا در منطقه خلیج فارس حفاظت و امنیت ذخائر نفت و گاز منطقه است، در گیری های مکرر آمریکا در این منطقه در دهه اخیر موید اهمیت این هدف میباشد.

مایکل نایتس استراتژیست صاحب نظر، در کتاب ترابلد واترز میگوید نگاهی به تنشها و برخوردهای خصمانه دهه گذشته در منطقه خلیج فارس موید اینست که این منطقه از لحاظ استراتژیک برای آمریکا دارای بالاترین درجه اهمیت است. با توجه به این که میزان نفت کشف شده در کشورهای منطقه خلیج فارس ۷۳۱ بلیون بشکه یعنی بیش از ۶۱٪ از ذخائر جهان و میزان ذخائر گاز منطقه حدود ۲۵۵۶ تریلیون فوت مکعب یعنی حدود ۳۸٪ کل ذخائر جهان است و با توجه به این که این منطقه به جبهه مرکزی و اصلی مبارزات پایان ناپذیر بر علیه تروریسم جهانی و توسعه سلاحهای اتمی تبدیل گردیده هدف و منافع آمریکا در این منطقه شدیداً بخطر افتاده

است. دو جنگ آمریکا با عراق و دهها برخورد دیگر این کشور در منطقه در دهه گذشته نشانگر آنست که آمریکا مصمم است از اهداف و منافع خود در منطقه به هر نحو ممکن حتی باجنگی فراگیر حفاظت نماید.

مرکز مطالعات استراتژیک و بین الملل (CSIS) Center for Strategic and International Studies در صفحه اول گزارشی مستند و جامع، اعلام میکند که اهداف اصلی سه گانه رژیم جمهوری اسلامی عبارتند از:

- ۱- اطمینان از ادامه حیات و قدرت خود.

- ۲- کوتاه کردن دست قدرت های خارجی در خاور میانه.

- ۳- توسعه اسلام بنیادگرا یعنی قدرت خود به خارج از منطقه.

رژیم سعی دارد با افزایش قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را به قدرت منطقه خاور میانه تبدیل نموده نفوذ غرب مخصوصا آمریکا را در منطقه خلیج فارس و خاور میانه بزرگ کاهش دهد. رژیم بعلاوه خود را قهرمان مسلمانان جهان دانسته، فعالیت های مسلمانان افراطی را در اقصی نقاط جهان از جمله خاور میانه، آفریقا و آسیا پشتیبانی میکند و هزینه این فعالیتها را میپردازد.

رژیم برای اطمینان از موفقیت در این اهداف افزایش قدرت نظامی و دستیابی به سلاح اتمی را الزامی دانسته در راس تلاشهای خود قرار داده است.

دلیل دیگری که جمهوری اسلامی را نیازمند یک جنگ زودرس مینماید اینست که اوضاع رژیم هم اینک بی شباهت به سال ۱۹۸۰ نیست زیرا از یک طرف ناراضیهای مردم ایران به حد خفقان و غیر قابل تحمل رسیده و از طرف دیگر فشارهای جهانی رژیم را به مرز سقوط کشانده است لذا تنها راه نجات رژیم از خطر سقوط دامن زدن یا آغاز جنگ است.

بنا براین رژیم بمنظور جلوگیری از سقوط و بدست آوردن وقت جهت تکمیل برنامه های اتمی خود نیاز به یک جنگ فوری دارد.

آمریکا نیز نمیتواند بیش از این دست روی دست بگذارد و ناظر این باشد که جمهوری اسلامی به سلاح اتمی دست یافته منافع آمریکا را تهدید کند و مجبور است در اسرع وقت به منظور به تعویق انداختن برنامه های اتمی رژیم جنگ محدودی را بر علیه جمهوری اسلامی آغاز نماید.

گرچه صاحب نظرانی مثل آقای نیوت گینگریچ میگویند جنگ بین آمریکا و ایران هم اینک آغاز گردیده و ممکن است به جنگی فراگیر و جهانی منتهی شود و سرهنگ سام گاردنیر که میگوید نیروها مخصوص آمریکا از ۱۸ ماه قبل در داخل ایران مشغول جمع آوری اطلاعات و آماده سازی صحنه میباشند جنگ را هم اینک اعلام شده و آغاز شده میدانند و گرچه من هم قبول میکنم که چنین جنگ بزرگ و فراگیری در صورت ادامه حیات جمهوری اسلامی اجتناب ناپذیرست ولی اعتقاد دارم تا آغاز چنین جنگ بزرگ و فراگیری چند سال فاصله میباشد زیرا نه رژیم هنوز به سلاح هسته ای دست یافته که آمادگی چنین جنگی را داشته باشد و نه آمریکا در بهترین موقعیت برای دست زدن به چنین جنگی است. جنگ زود رس و احتمالی را که از آن صحبت میکنیم و به احتمال زیاد آمریکا قریبا بر علیه رژیم آغاز خواهد کرد به منظور وارد آوردن ضربات لازم به تاسیسات اتمی، نظامی و رهبری رژیم جهت ایجاد تاخیر در برنامه های اتمی جمهوری اسلامی و در صورت امکان فروپاشی رژیم است. اگر آمریکا به این هدف آخر رسیده بتواند رژیم را منقرض نماید به احتمال زیاد وقوع جنگ فراگیر و بزرگ منتفی میگردد، لیکن من تصور نمیکنم این هدف بدین طریق قابل وصول باشد. به هر حال به اعتقاد من جنگ زودرس محدود و بصورت سرجیکال آپریشن (Surgical Operation) خواهد بود. رژیم نیز از چنین جنگی استقبال میکند زیرا امیدوارست از آن جان نیمه سالم بدر برده بتواند وقت لازم را برای ادامه برنامه های اتمی خود بدست آورده برای جنگی بزرگ و فراگیر آماده شود.

در پاسخ کسانی که میگویند آمریکا نمیتواند با وضع وخیمی که در عراق و افغانستان دچار شده با ایران درگیر شود باید گفت که جنگ با ایران نیاز به نیروی زمینی که در عراق و افغانستان درگیر است ندارد. جنگ قریب الوقوع جنگی هوایی و دریایی خواهد بود که آمریکا در این زمینه ها دارای بالاترین حد توانایی میباشد. اگر هم به درگیری محدود نیروهای زمینی احتیاج باشد انتقال بعضی از نیروهای مسقر در عراق و افغانستان چندان مشکل نخواهد بود.

با توجه به دلایل فوق من جنگ بین آمریکا و ایران را بسیار محتمل و قریب الوقوع دانسته تنها راه جلوگیری از این جنگ خانمان سوز را اقدام سریع مردم ایران برای خلع ید از رژیم میدانم. کلید در دست مردم ایران است.

سناریوهای احتمالی جنگ محتمل و قریب الوقوع

سناریو های مختلفی را که آقای مایکل نایتس در جنگ احتمالی قریب الوقوع محتمل میداند عبارتند از:

۱- حمله آمریکا به ایران با هدف تغییر رژیم:

در چنین صورتی جمهوری اسلامی میتواند راه کارهای زیر را انتخاب کند:

- الف. بکار گیری تمام نیروهائی که در اختیار دارد برای دفاع از رژیم. میگویم دفاع از رژیم زیرا که جمهوری اسلامی برای حفظ قدرت خود حاضر است ایران و ملت ایران را نادیده بگیرد و حتی وسائل نابودی آنها را فراهم کند.
- ب. اجرای حملات بازدارنده جهت جلوگیری از دسترسی نیروهای مهاجم. این حملات میتواند به هر یک از کشورهائی که با آمریکا همکاری نمایند انجام گیرد.
- افزایش عملیات تروریستی در منطقه و در دیگر نقاط جهان مخصوصا برای لطمه زدن به منافع آمریکا و هم پیمانانش. در همینجا باید اضافه کنم که در صورت وقوع جنگ بین ایران و آمریکا پای سایر کشورهای منطقه خلیج فارس نیز به نفع آمریکا به میان کشیده خواهد شد کشورهای زیادی علاوه بر کشورهای منطقه خلیج فارس با آمریکا هم پیمان خواهند بود در حالی که هم پیمانان رژیم جمهوری اسلامی به سوریه، کره شمالی، ونزولا و کوبا محدود میشود که هیچیک در واقع دوست این رژیم نیستند و اگر کمک های بی دریغ مادی رژیم به آنها قطع شود و منافع خود را در خطر ببینند برای منافع رژیم جمهوری اسلامی پیشیزی هم اهمیت قائل نخواهند بود. همچنانکه سوریه عملا اعلام داشته است در صورت جنگ ایران با اعراب به اعراب کمک خواهد کرد. البته کمکهای محدود و در حد ممکن پنهانی چین و روسیه به رژیم را هم نمیتوان به حساب نیاورد.

۲- حمله آمریکا به ایران برای تنبیه رژیم و یا پیشگیری از توسعه طلبی و زیاده خواهی آن:

در چنین صورتی رژیم یک سری عملیات نظامی و تروریستی طولانی مدت را بر علیه هر کشوری که به آمریکا کمک کند آغاز خواهد نمود.

۳- تحریم دریائی آمریکا بر علیه ایران:

در چنین صورتی ایران تلاش خواهد کرد تنگه هرمز را بسته حملات خود را متوجه کشتیهای کشورهای کند که به آمریکا کمک میکنند. این میتواند یک تهدید جدی برای آمریکا و جهان باشد که در صورت وقوع ایران را با خطر نابودی روبرو خواهد کرد.

۴- آمریکا بازرسی کشتیهای ایران را آغاز نماید:

در چنین صورتی رژیم سعی خواهد کرد کشتیهای خود را اسکورت نموده در صورت ممکن و نیاز با آمریکا کشمکش نماید، این کشمکش میتواند برای هر دو طرف جدی و مخاطره انگیز باشد چون نیروی دریائی ایران قویتر از دونیروی دیگر و دارای قدرت مقابله محدود میباشد.

۵- تلاش آمریکا برای درگیر نمودن کشور ثالثی با ایران مثلا امارات متحده عربی برای پس گرفتن جزایر ابو موسی، تنب بزرگ و تنب کوچک:

در چنین صورتی ایران به یکی از کشورهای متحد آمریکا حملات تلافی جویانه خواهد نمود و یا مثلا نیروهای زمینی خود را به جزیره ابوموسی گسیل داده کشتیرانی امارات متحده عربی را به مخاطره خواهد انداخت.

سرهنگ سام گاردنیر استاد استراتژی و عملیات نظامی در دانشگاه ملی جنگ، دانشگاه هوایی جنگ و دانشگاه دریائی جنگ و نیز استاد میهمان در دانشگاه دفاع کشور سوند، که اخیرا همرا با سازمان های جاسوسی و نظامی آمریکا در بازی های جنگ شرکت داشته و از طرحهای تهیه شده آگاه است، اظهار میدارد که تابستان دیپلماسی به پایان رسیده، همه راه ها بسته شده و تنها راه جنگ باقی مانده است. حرکت به سوی جنگ آغاز شده و به احتمال نود درصد این جنگ در سه یا چهار ماه آینده آغاز خواهد شد.

عواقب حاصل از این جنگ عظیم وخیم میباشد. به عنوان نمونه این جنگ ممکن است باعث شود که قیمت بنزین برای مصرف کنندگان آمریکایی دو و یا سه برابر گردد؛ این جنگ میتواند خاور میانه را بی ثبات تر از آنچه هست بکند و مثلاً باعث سقوط مشرف و افتادن سلاح های اتمی بدست تروریست ها گردد. چنین جنگی باعث تقویت روسیه خواهد شد و آمریکا بازنده اصلی آن خواهد بود. سرهنگ گاردنیر با اطلاع از طرح های تهیه شده اظهار میکند که جنگ قریب الوقوع با پنج شب بمباران هوایی تهران آغاز خواهد شد. کاخ سفید ممکن است حتی از سلاح های اتمی کوچک برای اهدافی که سلاح های غیر اتمی نمیتوانند آنها را تخریب کنند استفاده کند و این مسئله ای بسیار حائز اهمیت است زیرا این عمل تابوی استفاده از سلاحهای کشتار جمعی را که در شصت سال گذشته و بعد از جنگ جهانی دوم تنها عراق از آنها استفاده نموده خواهد شکست و جهان را وارد مرحله متفاوت و جدیدی خواهد کرد. این بمبارانهای سنگین در پنج شب بر علیه تاسیسات اتمی و نظامی انجام شده تلاش خواهد شد از لطمه زدن به تاسیسات ایجاد نیروی الکتریسیته و اهدافی که منافع روسیه را در بر دارد جلوگیری شود تا روسیه مجبور به دخالت نگردد در این زمان آمریکا به ایران اخطار خواهد کرد که دست به اقدامات تلافی جویانه نزنند ولی به احتمال قوی ایران این اخطار را نادیده گرفته اقدامات تلافی جویانه مثل حمله به اسرائیل توسط حزب الله یا حمله به نیروهای آمریکا در عراق و افغانستان را آغاز خواهد کرد. در این زمان آمریکا تلاشهای لازم را برای تغییر رژیم آغاز خواهد نمود و در این راستا، نیروها نظامی مثل سپاه پاسداران انقلاب را که رژیم برای بقای خود به آن متکی است و نیز نیروهای حفاظتی مسقر در تهران را که از رژیم حفاظت میکنند هدف قرار خواهد داد. همزمان با این هدف گیریها آمریکا رهبران رژیم را هدف قرارداده آنها را خواهد کشت و در این موقع مردم ایران فرصت خواهند یافت تا از رژیم خلع ید نموده دولتی که با غرب و آمریکا دوست باشد بر سر کار آورند.

به طوری که ملاحظه میفرمائید در هیچیک از سناریو های احتمالی فوق برای نیروهای زمینی نقشی در نظر گرفته نشده است ولی تجربیات جنگ های گذشته نشان میدهد که طراحان نظامی همواره انتظاری بیش از توان از نیروی هوایی داشته اند ولی نیروی هوایی از عهده این انتظارات بر نیامده و بالنتیجه فشار غیر منتظره به نیروی زمینی منتقل شده است. این موضوع در جنگ جهانی دوم، در جنگهای اول و دوم آمریکا با عراق و در جنگ اخیر اسرائیل با حزب الله صادق بود و به احتمال قریب به یقین در جنگ احتمالی آمریکا با ایران هم واقعیت خواهد یافت و پس از آنکه نیروهای هوایی و دریایی نتواند برابر طرح های تهیه شده از عهده انجام ماموریت برآیند پای نیروهای زمینی نیز در حد محدود به میدان جنگ باز خواهد شد. این بدان معنی نیست که آمریکا نیروهای زمینی خود را به ایران خواهد فرستاد. به اعتقاد من آمریکا دچار چنین اشتباه بزرگی نشده به چنین دامی نخواهد افتاد زیرا وضعیت جو وزمین در ایران و شرائط دیگر به آمریکا چنین اجازه ای را نمیدهد. منظور از دخالت نیروهای زمینی در جنگ کمک به کشورهایی در منطقه خلیج فارس است که احتمالاً مورد هجوم نیروهای زمینی ایران قرار خواهند گرفت.

امکانات و محدودیتهای نیروهای مسلح ایران و آمادگی این نیروها برای جنگ احتمالی و قریب الوقوع

برابر قانون اساسی جمهوری اسلامی آیت الله خامنه ای فرمانده کل قوای ایران میباشد و نیروهای مسلح ایران شامل سه بخش اصلی است که عبارتند از:

- ۱- ارتش با پرسنلی حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر،
- ۲- سپاه انقلاب اسلامی با پرسنل حدود ۱۴۰۰۰۰ نفر بعلاوه بسیج که یک سازمان نظامی شبه نظامی است نیز جزو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. گرچه آیت الله خمینی هنگام دستور تاسیس بسیج آنرا ارتش بیست میلیون نفری نامید و گرچه گاهی ادعا میشود که بسیج ۱۱۰۰۰۰۰۰ نفر عضو دارد ولی گمان میرود پرسنل یونیفرم پوش فعال (اکتیو) بسیج ۹۰۰۰۰ نفر و پرسنل ذخیره این نیرو ۳۰۰۰۰۰ باشد و ممکن است بسیج بتواند تا یک میلیون نفر را به خدمت احضار کند.
- ۳- نیروهای انتظامی که از تعداد پرسنل آن اطلاع دقیقی در دست نیست.

مهمترین بخش نیروهای مسلح ایران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که تکیه گاه رهبر و جمهوری اسلامی است. سپاه پاسداران از ارتش کاملاً مجزا و درحقیقت نیروی موازی با ارتش بوده و خود دارای نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی، اطلاعات و نیروهای مخصوص میباشد و نیروهای موشکی را نیز در اختیار دارد. گرچه بعد از جنگ با عراق تلاش شد که سپاه پاسداران و ارتش زیر چتر یک فرماندهی نظامی مشترک فراگیرند ولی رهبر که خود فرماندهی کل قوا را به عهده دارد مانع این ادغام شد تا در صورت احساس خطر بتواند یکی را در مقابل دیگری قرار داده امکان کودتا را کاهش دهد. فرمانده سپاه پاسداران در زمان جنگ محسن رضانی بود

و در حال حاضر سرلشگر یحیی رحیم صفوی است. محمود احمدی نژاد در زمان جنگ یکی از اعضای سپاه پاسداران بود و در همین زمان بود که عملیات موج انسانی در بصره و سایر نقاط انجام میشد و گروه گروه نوجوانان کشور به روی میدان های مین گسیل میشدند. علاوه بر هزینه حدود شش میلیارد دلار برای ایجاد و تسلیح حزب الله سپاه پاسداران ماموریت آموزش حزب الله را نیز به عهده داشته و دارد.

گرچه اکثر پرسنل سپاه پاسداران انقلاب و سازمان وابسته به آن بسیج به ملت ایران وفادار میباشند ولی بدستور رهبر و بعضی فرماندهان خود فروخته این دونیرو همواره مردم ایران را سرکوب کرده اند لذا مردم ایران از آنان بسیار متنفر بوده منتظر موقعیتی هستند که آنان را تنبیه کنند.

بد نیست پرسنل این سپاه بدانند که پس از آغاز جنگ و پنج شب بمباران های هوایی، سپاه پاسداران یکی از اولین هدف های آمریکا خواهد بود که به شدت و سرعت تنبیه و سرکوب خواهند شد تا هنگامی که رهبران رژیم و محل اقامت آنان هدف بمباران هوایی و حملات نیروهای کماندو مخصوص قرار میگیرد و کشته میشوند و محافظین و فدائیان آنها قبلا معدوم شده باشند. به آن دسته از پرسنل این سپاه که فدائی سران فاسد رژیم نیستند و خود را فرزندان ملت ایران میدانند نه نوکر آخوندها توصیه میشود هر چه زودتر حساب خود را با رژیم و فرماندهان خائن به ملت ایران جدا کرده آماده باشند به مردم بپیوندند و دمار از روزگار فرماندهان خود فروخته و ملاین فاسد درآورند. این دسته از فرزندان ایران اگر مایل باشند، امکانات داشته باشند و از رعایت حفاظت خود مطمئن باشند میتوانند از هم اکنون باسران و وطنپرست مبارزات مردم ایران که همواره پشتیبان پرسنل شریف و وطن پرست نیروهای مسلح ایران بوده اند و از این پرسنل دفاع کرده اند ارتباط برقرار کنند.

در پایان جنگ ایران و عراق ارتش ایران کارآیی خود را از دست داده بود. رژیم سال ۱۹۸۹ تصمیم گرفت ارتش را باز سازی نموده توسعه دهد و به یک قدرت منطقه ای تبدیل نماید. در راستای این تلاش رژیم سعی نمود نیروی هوایی و دریایی ایران را به طوری توسعه دهد که به خلیج فارس مسلط شود، به موشکها و سلاحهای شیمیایی، بیولوژیکی و اتمی دست یابد تا همسایگان از جمهوری اسلامی هراس داشته باشند، بتواند با نفوذ آمریکا در خلیج فارس مقابله کند و با همکاری حزب الله زیر بنایی را بوجود آورد که بتواند عملیات تروریستی را در خاور میانه، اروپا و آمریکای جنوبی پشتیبانی کند.

اما اقتصاد ایران در سالهای ۹۰ اجازه این توسعه را نمیداد در حالی که در طول این دهه که کشورهای خلیج فارس برای مدرنیزه کردن و توسعه نیروهای نظامی خود دهها میلیارد دلار هزینه مینمودند و آمریکا حضور خود را در منطقه به طور روز افزونی می افزود رژیم مجبور شد از بسیاری از اهداف توسعه طلبانه خود در زمینه نظامی دست شسته هم خود را صرف خرید موشکها و تقویت نیروی دریایی نماید.

معدالک از سالهای آخر دهه ۹۰ و اوایل قرن جدید که قیمت نفت بطور سرسام آوری افزایش یافت رژیم توانست قرضهای خود را بپردازد و اقتصاد ایران موقتا نه تنها بهبود یافت که بسیار هم خوب شد بطوری که اینک به نوشته روزنامه های رژیم سران آن به ارقام صدها میلیون دلار قانع نبوده در هر وحله ۱/۵ بلیون دلار به جیب میزنند و دهها میلیون دلار حق و حساب به مقامات حماس میدهند تا



سرباز اسرائیلی را رها نکنند و به هر یک از افراد جنگ زده لبنان ۱۲۰۰۰ دلار حق و حساب میدهند که باز هم از حزب الله پشتیبانی کنند. به هر حال در سالهای اخیر رژیم مبالغ هنگفتی خرج تقویت نیروهای مسلح کشور نموده است. نحوه هزینه ها سری بوده کسی اطلاع ندارد که این پولها چگونه هزینه میشود و به جیب چه کسی میرود. روسیه که قبلا به آمریکا قول داده بود فقط قراردادهای موجود

را تا سال ۱۹۹۹ محترم خواهد شمرد و وارد قرارداد جدیدی با ایران نخواهد شد با دیدن این پولهای نفت زیر قول خود زد و قراردادهای پرمفعت جدیدی با رژیم بست. رژیم با کمک روسیه توانسته بعضی سلاح ها را در داخل کشور بسازد و هم اینک تلاش میکند اجازه ساخت هواپیمای شکاری میگ-۲۹ در ایران را از روسیه کسب نماید.

رژیم موفق شده است امکانات و مخصوصا آسیب پذیریهای نیروهای مسلح ایران را سری نگه دارد ولی موفقیت هائی را که فرزندان دانشمند و کارآی ملت ایران در زمینه ساخت سلاح ها در ایران داشته اند به حساب خود گذاشته به رخ بکشند و با نمایش ای سلاح ها ارزاندام کند. از جمله سلاح هائی که در ایران ساخته شده

موشکهای فرج ۳، هوت، کوثر، فتح ۱۱۰ شهاب ۳ هواپیمای تهاجمی شفق و تعدادی هواپیمای بدون خلبان میباشند.

در مجموع باید گفت که امکانات تهاجمی ایران محدود میباشند. نیروی زمینی ایران برای آمریکا هیچگونه تهدیدی را ایجاد نمیکند. زیرا از همه لحاظ مخصوصاً آموزش، روحیه، لجستیک، مدیریت و فرماندهی بسیار ضعیف است. واگر رژیم با تحریم مواجه شود حتی سوخت لازم برای عملیات کوتاه مدت را هم نمیتواند تهیه کند. از لحاظ نیروی هوایی نیز رژیم بسیار ضعیف میباشد و ممکن است فقط توانایی حمله محدود به کشورهای همسایه را داشته باشد که آنها در صورت حمله آمریکا در چند روز اول جنگ زمین گیر خواهد شد. تنها نیروی دریایی ایران است که میتواند خطراتی ایجاد نماید، از جمله این خطرات تهدید ترافیک کشتیها و نفت میباشد. رژیم میتواند با کاربرد زیر دریانیها، موشکهای ساحلی و مینهای خود در ترافیک تنگه هرمز توقف موقت ایجاد کند و بر علیه کشتیها سلاح شیمیایی یا بیولوژیکی بکار برد. معذالک به دلیل وسیع بودن و عمیق بودن تنگه نخواهد توانست آنها مسدود نماید. از طرفی به علت وسیع بودن تنگه رژیم با امکانات مختصر آمفیبیوس خود ممکن است فقط بتواند بعضی از جزایری را که دفاع کامل ندارند و همچنین سکوها و ترمینالهای نفتی خارج از ساحل را اشغال نماید و بالاخره نیروهای مخصوص نیروی دریایی ایران میتوانند در تاسیسات بندری و سکوها و ترمینالها منطقه خلیج فارس سابوتاژ کنند و به کشتیها در حالتی که لنگر انداخته اند و یا در حرکت میباشند حمله نمایند. بستن تنگه هرمز برای ایران بیش از بقیه مضر است و رژیم در صورتی به این عمل دست خواهد زد که خود از حق استفاده از کشتیرانی در خلیج فارس محروم شده باشد.

نتایج جنگ احتمالی قریب الوقوع برای ایران

برای اینکه بتوانیم یک برآورد قابل قبولی از نتایج جنگ احتمالی قریب الوقوع ارائه کنیم علاوه بر مطالب فوق الذکر باید به موارد زیر نیز توجه کنیم.

بودجه نظامی ایران کمتر از ۷ بلیون دلار است در صورتی که بودجه نظامی آمریکا ۴۵۰ بلیون دلار، بودجه نظامی عربستان سعودی بیش از ۲۰ بلیون دلار و بودجه نظامی کشورهای دیگر منطقه خلیج فارس بیش از ۳۰ بلیون دلار است. با توجه به اینکه آمریکا خود سازنده اکثر سلاح ها و تکنولوژی نظامی میباشد باید قبول کنیم از قدرتی غیر قابل مقایسه با قدرت نظامی جمهوری اسلامی برخوردار است.

کشورهای منطقه خلیج فارس نیز با توجه به خطراتی که رژیم جمهوری اسلامی به وجود آورده در سالهای اخیر با بودجه های کلان ارتشهای خود رامدرنیزه نموده از بهترین سلاح ها و تجهیزات برخوردار شده اند و حتی در ساختن بعضی سلاحها مثل هواپیماهای اف-۱۶ و اف-۱۸ سرمایه گزاری نموده با آمریکا شریک شده اند.

سطح دانش نظامی پرسنل نظامی نیروهای مسلح ایران به طور اعم و فرماندهان رده بالا بطور اخص پائین است. فرماندهان رده بالا نه برحسب لیاقت بلکه با معیار بستگی و زد و بند مقامات را در اختیار گرفته اند و گفتار و کردارشان بیشتر به جاهل های چاله میدان و قمه کشها شباهت دارد تا به



یک افسر و فرمانده. این نابخردان بدون درنظر گرفتن مصالح ملی مانند چاقوکشها شاخ و شانه میکشند بدون اینکه از قدرت لازم برای مقابله برخوردار باشند. آنها فکر میکنند جنگ آینده مثل تعزیه خوانی وقایع صحرای کربلاست. یا تصور میکنند که درموقع لازم فرار خواهند کرد و با ثروت گزافی که از ملت ایران دزدیده اند به عیش و نوش خواهند پرداخت غافل ازاینکه فرماندهان واقعی، افسران باسرف و پرسنل شریف نیروهای مسلح بزودی حساب آنان را تصفیه خواهند کرد.



F/A-22

F/A-22

جنگ صحنه آموزش و آموختن درسهای تازه و رفع نقائص تاکتیکی و نیز میدان آزمایش سلاح های جدید میباشد بطور قطع آمریکا درمیدان جنگهای اخیر بسیاری از اشتباهات خود را تصحیح نموده وسلاح ها

وتکنولوژیهای جدیدی را اختراع و آزمایش کرده است. برای مثال آمریکا هواپیمای شکاری F/A-22 ساخت لاکهید مارتین را که سلاح اصلی "Concept of Global Strike Task Force" طرح تاسک فورس حملات جهانی" میباشد هم اینک وارد عمل نموده و مشغول بهبود سازی امکانات تهاجمی آن است. این هواپیما برتری هوایی آمریکا را به نحو بی سابقه ای افزایش خواهد داد بطوری که آمریکا خواهد توانست قدرت دفاع هوایی طرف مخاصمه را با سرعت و به نحو غیر قابل تصویری خنثی کند این هواپیما از قدرت بی سابقه مانور و



F/A-22



F/A-22

درگیری با اهداف زمینی نیز برخوردار است. همچنین پروژه هواپیمای شکاری F-35 نیز در حال تکمیل بوده این هواپیما نیز بزودی وارد عمل خواهد شد.

خساراتی که از چنین جنگی نصیب مردم ایران میشود سنگین و غیر قابل جبران خواهد بود ولی نتیجه آن برای آن دسته از سران رژیم که کشته نشده جان سالم بدر ببرند ممکن است رحمت الهی باشد. بنا بر سوابق و تجربیات، این احتمال وجود دارد که سران باقیمانده رژیم هنگامی که تاب مقاومت را از دست بدهند به پیروی از آیت الله خمینی جام های زهر را بالا کشده به جنگ خاتمه دهند و بدین ترتیب مردم ستمدیده و داغدار ایران را به گرفتاریهای بعد از جنگ مشغول نموده خود به دادن شعارهای آمریکا را زیر پا له کردیم، اسلام عزیز پیروز شد، تاپیروزی کامل فقط یک یاحسن دیگر باقی است و شعارهایی از این دست زمینه را برای جنگ بعدی آماده کنند.

تنها راه جلوگیری از جنگ و نابودی کشور اینست که مردم ایران با پشتیبانی از یک رهبری آگاه، مدبر، متوانا و مثبت با پیرونده پاک و بدون خدشه که قادر باشد وسائل مبارزات را فراهم کند از رژیم جمهوری اسلامی خلع ید نموده قدرت را بدست صاحبان آن یعنی ملت ایران بسپارند. زیرا تا جمهوری اسلامی وجود دارد علاوه بر ظلم، اختناق، سرکوب و بی عدالتی جنگ هم قسمت مردم ایران خواهد بود.

تبصره:

این برآورد به استناد منابع آشکار، نظریات نظریه پردازان، صاحب نظران، نویسندگان و اسناد غیر محرمانه و بر مبنای تخصص نظامی و نظریات من تهیه شده است. در این برآورد اطلاعات طبقه بندی شده در باره نیروهای مسلح ایران یا کشورهای دیگر گنجانده نشده است.

توجه مخصوص دو گروه از هموطنان را به این گزارش جلب میکنم. اول گروهی که در راه نزدیک کردن رژیم جمهوری اسلامی با آمریکا تلاش میکنند. این گروه یا نمیدانند ادامه زندگی رژیم بدون جنگ با آمریکا ممکن نیست و رژیم در تدارک جنگی بزرگ و فراگیر است و یا اگر میدانند برای منافع خود حاضرند کشور و منافع مردم ایران را قربانی کنند. گروه دوم کسانی هستند که بی مهابا به طبل جنگ میکوبند، گو اینکه صدای طبل آنان به گوش نمی رسد ولی آنها هم ندانسته راهی را ترغیب میکنند که به نابودی کشورمان خواهد انجامید. به اعتقاد من کم خطر ترین و کم خرج ترین راه پشتیبانی از رهبران واقعی است که در صورت داشتن پشتیبانی مردم ایران خواهند توانست از رژیم خلع ید نموده اداره مملکت را به صاحبان آن یعنی مردم ایران بسپارند. تنها توشه ای که برای پیمودن این راه مورد نیاز است همت مردم ایران میباشد. به همین دلیل است که میگویم:

تنها راه برای جلوگیری از جنگ، آزادی است و کلید آزادی در دست مردم ایران میباشد